

مقایسه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان و طلاب

ناصر صبحی قراملکی^۱
پرویز پرزور

چکیده

هدف: هدف از این پژوهش، مقایسه هوش معنوی و هوش هیجانی در بین دانشجویان و طلاب بود. **روش:** روش تحقیق علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری کلیه افراد شاغل به تحصیل در دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمی شهر اردبیل در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ بودند. نمونه‌ای به تعداد ۱۶۰ نفر (شامل ۸۰ نفر دانشجو و ۸۰ نفر طلبة) به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه‌های هوش معنوی کینگ و هوش هیجانی پترایدز - فارنهایم استفاده شد. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تحلیل واریانس چند متغیری (MANOVA) استفاده گردید. **یافته‌ها:** نتایج این مطالعه نشان داد که بین دو گروه دانشجویان و طلاب از لحاظ نمره کل هوش معنوی و همچنین در زیر مقیاس‌های تفکر انتقادی وجودی و معناسازی شخصی، تفاوت معناداری وجود دارد ($p < 0/001$). به عبارت دیگر، طلاب نسبت به دانشجویان از هوش معنوی بیشتری برخوردار بودند. از طرف دیگر، طبق یافته‌های این پژوهش، بین دو گروه دانشجویان و طلاب، از لحاظ نمره هوش هیجانی تفاوت معناداری یافت نشد. **نتیجه‌گیری:** نتایج این پژوهش نشان می‌دهد، تفاوت دو گروه در هوش معنوی، به فراوانی انجام مناسب و رفتارهای دینی در طلاب محدود نمی‌شود، بلکه طلاب در خصوص توانایی‌های ذهنی مربوط به هوش معنوی، به ویژه تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی و حتی به لحاظ میانگین در توانایی بسط حالت هشپاری، نمرات بالاتری نسبت به دانشجویان کسب کرده‌اند. بنابراین، می‌توان با تقویت این دو هوش در بین این دو گروه تأثیرگذار در جامعه، به توانمندسازی آنها کمک نمود.

واژگان کلیدی: هوش معنوی، هوش هیجانی، دانشجویان، طلاب.

◇ دریافت مقاله: ۹۲/۰۴/۱۵؛ تصویب نهایی: ۹۲/۱۰/۲۲ .

۱. دکترای روان‌شناسی؛ دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی (نویسنده مسئول) / نمابر: ۰۲۱۸۸۲۲۵۱۱۴ /

Email: aidasobhi@yahoo.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.

الف) مقدمه

در سال‌های اخیر مفهوم هوش، تنها به عنوان یک توانایی شناختی در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه به حوزه‌های دیگری مانند هوش هیجانی، هوش طبیعی، هوش وجودی، هوش معنوی، هوش اخلاقی و حتی هوش فرهنگی گسترش یافته است.

هوش معنوی برای نخستین بار در سال ۱۹۹۶ توسط استیونز^۱ مطرح شد و بعد در سال ۱۹۹۹ توسط ایمونز^۲ گسترش یافت. ایمونز (۲۰۰۰) پیدایش سازه هوش معنوی را به عنوان کاربرد ظرفیت‌ها و منابع معنوی در زمینه‌ها و موقعیت عملی در نظر می‌گیرد. به عبارتی، افراد زمانی هوش معنوی را به کار می‌گیرند که بخواهند از ظرفیت‌ها و منابع معنوی برای تصمیم‌گیری‌های مهم و اندیشه در موضوعات هستی یا تلاش در جهت حل مسئله روزانه استفاده کنند. وی هوش معنوی را چهارچوبی برای تشخیص و سازماندهی مهارت‌ها و قابلیت‌هایی که مستلزم کاربرد انطباقی معنویت است، تعریف می‌کند.

طبق مفهوم سازی کینگ، چهار استعداد یا توانایی هسته‌ای هوش معنوی، عبارت‌اند از: ۱. تفکر انتقادی وجودی^۳ که عبارت است از استعداد تفکر انتقادی درباره گوهر وجود، واقعیت، گیتی، مکان، زمان و موضوع‌های وجودی و متافیزیکی و توانایی تفکر درباره موضوع‌های غیر وجودی مرتبط با وجود فرد؛ ۲. تولید معنای شخصی^۴ که عبارت است از توانایی استنتاج مفهوم و معنای شخصی از همه تجارب جسمی و ذهنی، از جمله توانایی ایجاد هدف زندگی؛ ۳. آگاهی متعالی^۵ که عبارت است از استعداد تشخیص ابعاد و چهارچوب‌های متعالی خود، دیگران و دنیای مادی در خلال حالت‌های طبیعی هشیاری، همراه با استعداد تشخیص ارتباط آنها با خود فرد و با دنیای مادی؛ ۴. بسط حالت هشیاری^۶ که عبارت است از توانایی داخل و خارج شدن از حالت‌های بالای هشیاری، مانند مدیتیشن، دعا و امثال آن-کینگ و دسیکو^۷ (۲۰۰۹).

در اسلام به طور ضمنی، هوش معنوی مورد توجه فراوانی قرار گرفته است. برای مثال، عوامل مؤثر بر هوش معنوی در متون اسلامی، تقوا و پرهیزگاری به همراه تمرینات روزمره، از قبیل تدبّر در خلقت، تدبّر در آفاق و انفس، روزه داری، عبادات، خواندن قرآن و تدبّر صادقانه در آیات قلمداد شده است (سهرابی، ۱۳۸۷). قرآن به افراد با هوش معنوی بالا، صفت اولوالالباب می‌دهد، که منظور افرادی هستند که به جوهره حقیقت پی برده‌اند و از پرده‌های اوهم عبور کرده‌اند. به طور کلی، اصولی که در دین، مبنایی مطرح شده

1. Stevens

2. Emmons

3. Critical Existential Thinking

4. Personal Meaning Production

5. Transcendent Awareness

6. Conscious State Expansion

7. King & Decicco

مقایسه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان و طلاب ۲۹۹

است، مانند دستیابی به وحدت در ورای کثرت ظاهری، یافتن پاسخ در مورد مبدأ هستی و تشخیص الگوهای معنوی و تنظیم رفتار بر مبنای آنها، محورهای اصلی هوش معنوی هستند. بنابراین، می توان با رشد هوش معنوی، انسان های دینداری پرورش داد. هوش معنوی به افراد، دلسوزی، مهربانی، یکپارچگی در تفاوت ها و اتکا به معناداری را می آموزد (غباری بناب و سلیمی، ۱۳۸۶).

مک شری، دراپر و کندریک^۱ (۲۰۰۲) تأکید می کنند، هوش معنوی به مثابه زیربنای باورهای فرد، به گونه ای بر عملکرد فرد تأثیر می گذارد که شکل واقعی زندگی را قالب بندی می کند. الکینز و کاوندش^۲ (۲۰۰۴) نیز بر این باورند که هوش معنوی موجب می شود، انسان با ملایمت و عطوفت بیشتری به مشکلات نگاه کند، تلاش بیشتری برای یافتن راه حل داشته باشد، سختی های زندگی را بهتر تحمل کند و به زندگی پویایی و حرکت دهد.

شانلون^۳ (۲۰۰۷) نشان داد که هوش معنوی در ارتقاء سلامت روانی و بهزیستی جسمانی و روانی افراد نقش به سزایی دارد. ایمونز (۲۰۰۰) در پژوهشی بیان می کند، داشتن هوش معنوی در زندگی دانشجویان، می تواند باعث رشد و شکوفایی آنان شود و دانشجویانی که هوش معنوی بالایی دارند، ظرفیت تعالی داشته و تمایل بالایی نسبت به هشیاری دارند. آنان این ظرفیت را دارند که بخشی از فعالیت های روزانه خود را به اعمال روحانی و معنوی اختصاص دهند و فضایی مانند بخشش، سپاس گذاری، فروتنی، دلسوزی و خرد، از خود نشان می دهند. همچنین، اسمیت^۴ (۲۰۰۴) در پژوهش خود نشان داد که هوش معنوی در دانشجویان لازمه سازگاری بهتر با محیط است و افرادی که از هوش معنوی بالاتری برخوردارند، تحمل بیشتری در مقابل فشارهای زندگی داشته و توانایی بالایی برای سازگاری با محیط نشان می دهند (به نقل از بیرامی، موحدی و موحدی، ۱۳۹۲).

طی مطالعه ای که اکبری زاده، باقری، حاتمی و حاجیوندی (۱۳۹۰) انجام دادند، مشخص شد که بین هوش معنوی با سخت رویی و سلامت عمومی دانشجویان رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد. مطالعات روس^۵ (۱۹۹۴)، اوسوالد^۶ (۲۰۰۴)، تامپسون^۷ (۲۰۰۰)، وان لیوین و کاسولر^۸ (۲۰۰۴)، الکینز و کاوندش (۲۰۰۴) نشان می دهد که بین هوش معنوی با هوش هیجانی، صلاحیت های شخصی و سلامت ذهن، همستگی بالایی وجود دارد. تحقیقات آنها، نشان داد که هوش معنوی به رشد، غنا و تقویت هوش هیجانی کمک می کند. همچنین، هوش هیجانی، یاری دهنده رشد فرد به یک هوش معنوی بالاست؛

1. Mcsherry, Draper & Kendrick
2. Elkins & Vavendish
3. Shaalon
4. Smith
5. Ross
6. Oswald
7. Thompson
8. Van Leeuwen & Cusveller

بنابراین، می‌توان فرض کرد که برای رسیدن به یک زندگی شاد و بدون استرس و همراه با سلامتی جسمی و روانی، هوش معنوی و هوش هیجانی لازم و ملزوم یکدیگر هستند.

هوش هیجانی موضوعی است که سعی در تشریح و تفسیر جایگاه هیجان‌ها و احساسات در توانمندی‌های انسانی دارد. گلمن^۱ (۱۹۹۹)، هوش هیجانی را شامل ظرفیت فرد برای قبول واقعیات، انعطاف پذیری، توانایی حل مشکلات، توانایی مقابله با استرس و تکان‌ها می‌داند.

به اعتقاد سالوی و گروال^۲ (۲۰۰۵) هوش هیجانی را می‌توان به عنوان آخرین پیشرفت در قلمرو مطالعه هیجان و شناخت تلقی کرد. این هوش، در تشریح و تفسیر جایگاه هیجان‌ها و احساسات‌ها در توانمندی‌های انسانی، جایگاه خاصی دارد (مختاری پور و سیادت، ۱۳۸۴). یادگیری مهارت‌های ابراز هیجان، کنترل هیجان‌ها و توانایی همدلی با احساسات دیگران از تولد آغاز شده و آنچه کودکان در سال‌های اول زندگی می‌آموزند، پایه شکل‌گیری هوش هیجانی آنهاست و این آموزش در دوران مدرسه و دانشگاه و در تمامی طول عمر ادامه می‌یابد، مهارتی که برای یادگیری در همه زمینه‌ها و موفقیت در تمامی جنبه‌های زندگی ضروری است (سلطانی فر و بیبا، ۱۳۸۶).

هوش هیجانی با شناخت فرد از خود و دیگران، ارتباط با دیگران، سازگاری و انطباق با محیط پیرامون که برای موفق شدن در برآوردن خواست‌های اجتماعی لازم است، ارتباط دارد (حسینیان، قاسم زاده و نیکنام، ۱۳۹۰). این تعریف نشان می‌دهد که می‌توان هیجان‌ها را برای هدایت تفکر منطقی و اقدامات هدفمند مورد استفاده قرار داد. همچنین بیان می‌کند، هیجان‌ها واقعاً می‌تواند عقلانیت را افزایش دهد. بنابراین، افراد دارای هوش هیجانی بالا، احساسات خود را به دقت درک کرده و به صورت یکپارچه از آن استفاده می‌کنند (اوبرادوویکا، جوانوویکا، پتروویکا و میتروویکا، ۲۰۱۳).

تحقیقات نشان می‌دهد که هوش هیجانی، عامل مؤثر و تعیین کننده در برآیندهای زندگی واقعی مانند موفقیت در تحصیل، موفقیت در شغل و روابط بین شخصی و بطور کلی، در کنش وری سلامت است (سیاروچی، دین و آندرسون، ۲۰۰۲). لیف^۵ (۲۰۰۳) نیز در زمینه هوش هیجانی و پیشرفت تحصیلی، به این نتیجه دست یافته است که هوش عمومی فقط ۵۰ درصد پیشرفت تحصیلی افراد را تبیین می‌کند. برخی یافته‌ها نیز، بیانگر ارتباط بسیار بالای میان ابعاد هوش هیجانی با موفقیت تحصیلی است (پارکر^۶، ۲۰۰۴). همچنین کلارک^۷ (۲۰۱۰) از تأثیر و ارتباط هوش هیجانی با موفقیت و شادکامی در زندگی دانشجویان خبر داد.

-
1. Goleman
 2. Salovey & Grewal
 2. Obradovica, Jovanovica, Petrovica & Mitrovica
 4. Ciarrochi, Dean & Anderson
 5. Liff
 6. Parker
 7. Clarke

۳۰۱ \diamond مقایسه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان و طلاب

طبق شواهد پژوهشی اخیر، سانچز ریویز، ماورولی و پویلیس^۱ (۲۰۱۳) نشان دادند که هوش هیجانی می تواند عملکرد تحصیلی، توانایی های شناختی بالا و ویژگی های شخصیتی باثبات را پیش بینی کند. کاستیلو، سالگیرو، بروکال و بالیورکا^۲ (۲۰۱۳) نیز در پژوهشی تأثیر برنامه های هوش هیجانی در توانایی همدلی را نشان دادند. اشنايدر، لیون و خازون^۳ (۲۰۱۴) مشخص کردند که هوش هیجانی، انعطاف پذیری در برابر استرس را تسهیل می کند.

همچنین حاجیان، شیخ الاسلامی، همایی، رحیمی و امین الرعایا (۱۳۹۱) در پژوهشی داخلی، به وجود یک رابطه مستقیم بین هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان پی برده و نشان دادند که هوش معنوی بالاتر، هوش هیجانی بیشتر را پیش بینی می کند.

بر اساس شواهد و مطالب فوق، هوش هیجانی به علت مرتبط بودن با مهارت های مهم زندگی شخصی و اجتماعی، نقش مهمی در موفقیت و هدایت افراد دارد. همچنین، هوش معنوی به لحاظ تأثیری که بر عملکرد فرد به عنوان زیربنای باورهای فرد دارد، شکل واقعی زندگی را قالب بندی می کند و در نتیجه، می تواند رفتار فرد را به سوی موفقیت هدایت کند. لذا با توجه به شواهد پژوهشی می توان اذعان نمود، فردی که از هر دو هوش معنوی و هیجانی برخوردار باشد، می تواند در زندگی دنیوی موفق و برای زندگی اخروی اندوخته مناسبی جمع کند.

با توجه به اینکه، دانشجویان و طلاب دو قشر مهم و آینده ساز کشور هستند که در دو محیط جداگانه آموزشی-پژوهشی مهم یعنی دانشگاه و حوزه علمیه، در سطح تحصیلات عالی تحصیل می نمایند و به لحاظ اهمیت خاص و جایگاه ویژه این دو نهاد آموزشی در کشور ما و اهداف و سیاست هایی که این دو نهاد بر عهده دارند، انجام کارهای مقایسه ای در مورد دانشجویان و طلاب بسیار ضروری به نظر می رسد (کریمی، نصرافهانی و حاجی احمدی، ۱۳۸۴).

همچنین با عنایت به اینکه پدیدارشناسان دینی نیز، دین پژوهی را مشغله ای می دانند که به رشد دینی پژوهشگر مدد می رساند (سولی و سلطانی گرد فرامرز، ۱۳۹۱)، لذا، با عنایت به فقدان پژوهش در این زمینه در سطح کشور، پژوهش حاضر در صدد پاسخگویی به این مسأله است که آیا دانشجویانی که در محیط های دانشگاهی تحصیل می کنند، نسبت به طلبایی که در حوزه های علمیه درس می خوانند و آموزه های دینی کامل تری دریافت می کنند، از هوش معنوی و هوش هیجانی متفاوتی بهره مند هستند؟ از سوی دیگر با توجه به قابلیت رشد و تقویت هر دو هوش معنوی و هیجانی و تأثیر زمینه های تحصیلی دانشگاهی و حوزوی بر آنها، پژوهش حاضر با هدف مقایسه هوش معنوی و هوش هیجانی در بین دانشجویان و طلاب انجام شده است.

1. Sanchez-Ruiz, Mavroveli & Poullis
2. Castillo, Salguero, Berrocal & Balluerka
3. Schneider, Lyons & Khazon

ب) روش**۱- روش، جامعه آماری و روش نمونه گیری**

روش این پژوهش، علی-مقایسه‌ای بود. جامعه آماری این پژوهش را کلیه افراد شاغل به تحصیل در دانشگاهها و حوزه‌های علمیه شهر اردبیل در سال تحصیلی ۱۳۹۲-۱۳۹۱ تشکیل می‌داد. نمونه پژوهش به تعداد ۱۶۰ نفر (شامل ۸۰ نفر دانشجوی و ۸۰ نفر طلبه) به روش نمونه گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. روش نمونه گیری بدین صورت بود که از کلیه دانشگاه‌های شهر اردبیل، ۲ دانشگاه و از هر دانشگاه ۴ دانشکده و از هر دانشکده، ۵ کلاس و از هر کلاس ۴ نفر به صورت تصادفی انتخاب شدند و از حوزه‌های علمیه اردبیل نیز، ۴ کلاس برادران و ۴ کلاس خواهران به عنوان خوشه و از هر کلاس ۱۰ طلبه به عنوان نمونه پژوهش به صورت تصادفی انتخاب شدند.

۲- ابزار پژوهش

یک) مقیاس خودگزارشی هوش معنوی کینگ: این مقیاس توسط دیوید بی کینگ (۲۰۰۸) برای سنجش هوش معنوی، ساخته شده و توانایی‌های مربوطه به آن را در چهار بعد اصلی ارزیابی می‌کند. این پرسشنامه، دارای ۲۴ ماده است و براساس مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت نمره گذاری می‌شود. بر اساس مطالعه و تحلیل انجام یافته توسط سازنده، چهار عامل ۱- تفکر انتقادی وجودی ۲- تولید معنای شخصی ۳- آگاهی متعالی ۴- بسط حالت هوشیاری، شناسایی گردیده و با این آزمون سنجش می‌شود. ضریب پایایی کل آزمون و زیر مقیاس‌ها بر اساس ضریب آلفای کرونباخ، به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۸۷، ۰/۸۹ و ۰/۹۴ گزارش شده است. با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی در یک نمونه ۶۱۹ نفری از دانشجویان دانشگاه ترنت کانادا در سال ۲۰۰۷ آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و پایایی از طریق تنصیف ۰/۸۴ به دست آمد. در مطالعه‌ای دیگر، با استفاده از روش تحلیل عاملی تأییدی، آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و آلفای استاندارد نیز ۰/۹۲ به دست آمد.

دو) پرسشنامه سنجش ویژگی‌های هوش هیجانی: این پرسش نامه توسط پیترایدز و فارنهام (۲۰۰۳) تهیه شده است و ۳۰ ماده دارد که به هر ماده، نمره ۱ تا ۷ (کاملاً مخالف تا کاملاً موافق) تعلق می‌گیرد. این پرسش نامه، هوش هیجانی را در چهار حیطه می‌سنجد: ۱- درک عواطف و احساس‌های خود و دیگران ۲- کنترل احساس‌ها و عواطف ۳- تنظیم روابط خود با دیگران (مهارت‌های اجتماعی) و ۴- خوش بینی و نگرش مثبت. پیترایدز و فارنهام (۲۰۰۳) با استفاده از روش همسانی درونی سؤالات پرسشنامه، پایایی آن را ۰/۸۶ گزارش نموده‌اند. ضریب محاسبه شده برای این پرسش نامه، با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ نیز ۰/۸۴ به دست آمده است.

۳- روش اجرا و تحلیل داده‌ها

پس از اخذ مجوز از حوزه علمیه برادران و خواهران و انجام هماهنگی‌های لازم، نمونه مورد نظر از بین طلاب و همچنین از بین دانشجویان دانشگاه انتخاب گردید. سپس نمونه‌های مورد نظر در مورد چگونگی تکمیل پرسشنامه‌ها، توجیه شدند و پس از آن آزمون‌های مربوطه به شکل گروهی در کلاس‌های حوزه و دانشگاه اجرا گردید. جهت تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از روش‌های آمار توصیفی، میانگین و انحراف استاندارد و از روش‌های آمار استنباطی، تحلیل واریانس چند متغیری مانوا (MANOVA) استفاده شد. همچنین داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss17 تحلیل شدند.

ج) یافته‌های پژوهش

میانگین و (انحراف معیار) سنی دانشجویان به ترتیب برابر با ۲۲/۲۲ و (۵/۰۰) و طلاب ۲۳/۹۱ و (۶/۳۷) بود. میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی در جدول زیر ارائه شده است.

جدول ۱: میانگین و انحراف معیار هوش هیجانی و هوش معنوی در دانشجویان و طلاب

طلاب		دانشجویان		مؤلفه	متغیر
SD	M	SD	M		
۵/۵۷	۱۶/۹۸	۷/۳۸	۱۶/۵۲	درک عواطف خود و دیگران	هوش
۴/۳۰	۱۷/۲۸	۷/۱۳	۱۶/۴۲	مهارت‌های اجتماعی	
۲/۸۵	۱۱/۲۲	۴/۵۹	۱۰/۸۰	کنترل احساس‌ها و عواطف	هیجانی
۴/۲۷	۱۳/۳۸	۳/۴۰	۱۲/۲۰	خوش بینی	کل
۱۴/۶۲	۵۸/۸۶	۲۰/۱۷	۵۵/۹۴		
۷/۸۹	۴۴/۵۲	۹/۸۶	۴۱/۸۶	بسط حالت هشیاری	هوش
۸/۵۱	۳۴/۳۰	۸/۸۲	۳۰/۱۶	تولید معنای شخصی	
۴/۷۰	۳۰/۹۰	۷/۳۹	۳۰/۳۲	آگاهی متعالی	معنوی
۲/۳۲	۱۰/۹۲	۳/۳۴	۸/۳۸	تفکر انتقادی وجودی	کل
۱۶/۹۱	۱۲۰/۴۰	۲۲/۱۱	۱۱۰/۷۲		

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، میانگین (و انحراف معیار) نمره کل هوش هیجانی در دانشجویان و طلاب به ترتیب ۵۵/۹۴ (و ۲۰/۱۷) و ۵۸/۸۶ (و ۱۴/۶۲) است. همچنین میانگین (و انحراف معیار) نمره کل هوش معنوی در دانشجویان و طلاب به ترتیب ۱۱۰/۷۲ (و ۲۲/۱۱) و ۱۲۰/۴۰ (و ۱۶/۹۱) است.

۳۰۴ ◊ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۱۱

قبل از استفاده از آزمون پارامتریک تحلیل واریانس چند متغیری، جهت رعایت فرض‌های آن، از آزمون باکس و لوین استفاده شد و شرط همگنی ماتریس‌های واریانس/کوارینانس رعایت شد. این آزمون برای هیچ کدام از متغیرها معنادار نبود، در نتیجه استفاده از آزمون‌های پارامتریک بلا مانع است.

جدول ۲: نتایج آزمون‌های معناداری MANOVA برای بررسی فرضیه پژوهش

نوع آزمون	ارزش	مقدار F	DF فرضیه	DF خطا	sig	مجذور اتا
آزمون اثر پیلایی	۰/۲۷۳	۳/۷۶۳	۹/۰۰	۹۰/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۲۷۳
آزمون لامبدای ویلکز	۰/۷۲۷	۳/۷۶۳	۹/۰۰	۹۰/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۲۷۳
آزمون اثر هتلینگ	۰/۳۷۶	۳/۷۶۳	۹/۰۰	۹۰/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۲۷۳
آزمون بزرگ‌ترین ریشه روی	۰/۳۷۶	۳/۷۶۳	۹/۰۰	۹۰/۰۰	۰/۰۰۱	۰/۲۷۳

در جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس چند متغیری، برای بررسی معنادار بودن تفاوت میانگین‌های دو متغیر هوش هیجانی و هوش معنوی در دو گروه دانشجویان و طلاب آمده است. براساس جدول ۲، ترکیب خطی متغیرهای وابسته معنی دار است ($P < 0/001$ ، $F = 3/763$ ، $F = 0/727$ = لامبدای ویلکز). به عبارت دیگر، بین دانشجویان و طلاب حداقل در یکی از متغیرهای وابسته تفاوت معنی داری وجود دارد.

جدول ۳: نتایج تحلیل واریانس چند متغیری هوش هیجانی و هوش معنوی در بین دانشجویان و طلاب

متغیر	مؤلفه	DF	MS	F	P
درک عواطف خود و دیگران		۱	۵/۲۹	۰/۱۲۴	۰/۷۳
مهارت‌های اجتماعی		۱	۱۸/۴۹	۰/۵۳۳	۰/۴۶
هوش	کنترل احساس‌ها و عواطف	۱	۴/۴۱	۰/۳۰۱	۰/۵۸
هیجانی	خوش بینی	۱	۳۴/۸۱	۲/۳۳۱	۰/۱۳
	کل	۱	۲۱۳/۱۶	۰/۶۸۷	۰/۴۱
بسط حالت هشیاری		۱	۱۷۶/۸۹	۲/۲۱۵	۰/۱۴
تولید معنای شخصی		۱	۴۲۸/۴۹	۵/۶۹۷	۰/۰۰۱
هوش	آگاهی متعالی	۱	۸/۴۱	۰/۲۱۹	۰/۶۴
معنوی	تفکر انتقادی وجودی	۱	۱۶۱/۲۹	۲۴/۸۷۴	۰/۰۰۱
	کل	۱	۲۳۴۲/۵۶	۶/۰۴۳	۰/۰۰۱

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که در متغیر هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن بین دانشجویان و طلاب تفاوت معنی داری وجود ندارد. اما در نمره کل هوش معنوی و دو مؤلفه تولید معنای شخصی و تفکر انتقادی وجودی بین طلاب و دانشجویان تفاوت معناداری وجود دارد ($P < 0/001$). بدین صورت که طلاب از نمره هوش معنوی بالاتری نسبت به دانشجویان برخوردارند.

د) بحث و نتیجه گیری

هدف پژوهش حاضر، مقایسه‌ هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان و طلاب بود. نتایج این پژوهش نشان داد که بین نمرات هوش معنوی در دو گروه دانشجویان و طلاب تفاوت معنی داری وجود دارد. به این معنی که طلاب از هوش معنوی بیشتری نسبت به دانشجویان برخوردار هستند. نتایج حاصل از تفاوت میان دو گروه در مؤلفه‌های هوش معنوی نیز حاکی از آن است که بین دو گروه مورد مطالعه، در مؤلفه تفکر انتقادی وجودی تفاوت معناداری وجود دارد. به عبارت دیگر، طلاب درباره موضوعات مرتبط با وجود فرد، سرشت وجود، واقعیت، موضوع مرگ و دیگر موضوعات وجودی یا ماوراءطبیعی، نسبت به دانشجویان از تفکر نقادانه و ظرفیت تفکر بیشتری برخوردارند. همچنین طبق نتایج این پژوهش بین دو گروه مورد مطالعه، در مؤلفه تولید معنای شخصی، تفاوت معنی داری دیده شد. بدین صورت که طلاب نسبت به دانشجویان توانایی بیشتری در توانایی استنتاج مفهوم و معنای شخصی از تجارب جسمی و ذهنی، از جمله توانایی ایجاد هدف زندگی و تسلط بر آن نشان دادند.

این یافته‌ها با نتیجه پژوهش حسین چاری و ذاکری (۱۳۸۹)، مبنی بر اینکه نمرات هوش معنوی طلاب نسبت به دانشگاہیان و هنرمندان بیشتر است، همسو می‌باشد. همچنین، یافته‌های این پژوهش با نتایج تحقیق آقابابایی، فراهانی و فاضلی مهرآبادی (۱۳۹۰) مبنی بر اینکه طلاب در زمینه هوش معنوی و مؤلفه‌های بسط حالت هشیاری، تولید معنای شخصی و آگاهی متعالی نمرات بالاتری دارند، همخوانی دارد.

این یافته‌ها نشان می‌دهد که تفاوت دو گروه در هوش معنوی، صرفاً به خاطر فراوانی انجام مناسک و رفتارهای دینی در طلاب محدود نیست، چرا که طلاب در خصوص توانایی‌های ذهنی مربوط به معنویت و هوش معنوی به ویژه تفکر انتقادی وجودی، تولید معنای شخصی و حتی در توانایی بسط حالت هشیاری نیز نمره بالاتری از دانشجویان کسب کرده‌اند. در این راستا، تولید معنای شخصی و تفکر انتقادی وجودی بارها به عنوان یکی از مؤلفه‌های معنویت مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است (به نقل از حسین چاری و ذاکری، ۱۳۸۹؛ کیسلینگ، ماندادی، سورلی و کالول، ۲۰۰۶؛ کینگ، اسپک و توماس، ۲۰۰۱). و با توجه به تعریف نازل (۲۰۰۴) که درگیری‌های تفکر در معنای رویدادهای شخصی یا پیدا کردن هدف و معنا در همه تجارب زندگی را معادل هوش معنوی مطرح می‌کند؛ بنابراین می‌توان گفت هوش معنوی و مؤلفه تفکر انتقادی وجودی، یک توانایی است که فرد با ظرفیت هوش معنوی خود، سؤالات بیشتری را در مورد خود، زندگی و جهان پیرامون خود مطرح می‌نماید.

1. Kiesling, Montgomery, Sorell & Colwell

2. Speck & Thomas

همچنین قابل ذکر است که سؤالات جدّی در مورد اینکه از کجا آمده‌ایم و به کجا می‌رویم و هدف اصلی زندگی چیست، از نمودهای هوش معنوی است (نوحی، رحیمی و نخی، ۱۳۹۱). لذا با توجه به زمینه تحصیلی و مطالعاتی طلاب که نسبت به دانشجویان آموزش‌ها و برخورد بیشتری با مباحث مرتبط با خودشناسی، خداشناسی، خودآگاهی و مفاهیم اصیل دینی دارند و همچنین شیوه یادگیری مباحثه‌ای و انتقادی طلاب که مبتنی بر استدلال، ارزیابی و پرسشگری در خصوص مسائل اساسی مرتبط با معنویت و دین است، می‌توان وجود هوش معنوی بالا، مخصوصاً در مؤلفه‌های تفکر انتقادی وجودی و تولید معنای شخصی را در این گروه تبیین نمود.

یافته دیگر این پژوهش نشان داد که بین نمره کل هوش هیجانی و مؤلفه‌های آن، در بین دانشجویان و طلاب تفاوت معناداری وجود ندارد. متأسفانه با توجه به بررسی‌های صورت گرفته تحقیقی در خصوص مقایسه تأثیر زمینه‌های تحصیلی دانشگاهی و حوزوی بر هوش هیجانی یافت نشد. بنابراین در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت، مقایسه دانشجویان دانشگاه و طلبه‌های حوزه‌های علمیه نشان می‌دهد که گرچه دو گروه یاد شده سبک زندگی متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند، زمینه‌های تحصیلی و آموزشی جداگانه‌ای داشته و آینده شغلی متفاوتی را پیش رو دارند، و احتمالاً با مشکلات و مسائل متفاوتی روبه‌رو هستند، اما این تفاوت‌ها به تفاوت در سطح هوش هیجانی منجر نشده است. از سوی دیگر، چنانچه طبق نتایج تحقیقاتی که در خصوص بررسی میزان هوش هیجانی دانشجویان دانشگاه‌ها در داخل کشور صورت گرفته (اکبری، رضائیان و مؤدی، ۱۳۸۶؛ ظهیر الدین، دیباج‌نیا و زهرا قیدر، ۱۳۸۹؛ مهدی زاده، عزیزی و جمشیدزاده، ۱۳۹۰؛ جنتی، موسوی، عظیمی لولئی، فانی صابری، همتا، فیضی و قبادی، ۱۳۹۰) فرض شود که دانشجویان از هوش هیجانی متوسط به بالا برخوردار هستند، می‌توان گفت، بالا بودن هوش معنوی طلاب به آنها کمک نموده تا مهارت‌های مرتبط با هوش هیجانی را کسب کرده و در نتیجه سطح هوش هیجانی آنها به دانشجویان برسد و تفاوتی در این خصوص مشاهده نگردد. چرا که قابلیت‌های مرتبط با هوش معنوی، توانایی مسئله‌گشایی و کنار آمدن را تسهیل می‌کند و تقویت هوش معنوی موجب بهبود رفتار اجتماعی، احترام به عواطف، احساسات و رعایت حقوق دیگران و یا به عبارتی منجر به بهبود و تقویت هوش هیجانی می‌گردد (حاجیان و همکاران، ۱۳۹۱).

با توجه به اینکه هوش هیجانی نقش مهمی در موفقیت و هدایت افراد دارد. و هوش معنوی به لحاظ تأثیری که بر عملکرد فرد بعنوان زیربنای باورهای فرد می‌گذارد، می‌تواند رفتار فرد را به سوی موفقیت و سعادت دنیوی و اخروی هدایت کند. و با در نظر گرفتن این مسأله که هر دو هوش معنوی و هیجانی قابل آموزش و تقویت هستند، می‌توان با رشد و تقویت این دو عامل موفقیت در بین دانشجویان و طلاب، به توانمندسازی آنان در تمامی ابعاد تحصیلی، شغلی، اجتماعی و حتی معنوی کمک نمود. چرا که از یک طرف هوش معنوی به انسان تمامیت می‌بخشد و به او یکپارچگی و وحدت عطا می‌کند و از طرفی دیگر، هنگامی که هوش کلی، هوش هیجانی و هوش معنوی به صورت هماهنگ با هم به کار برده می‌شوند، انسان قادر به آشکار کردن نیروهای درونی خود به طور فزاینده و فراوان می‌گردد.

۳۰۷ مقایسه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان و طلاب

یافته‌های پژوهش حاضر، اطلاعات مهمی برای خود فرد، خانواده‌ها، مسئولان نظام آموزشی حوزه و دانشگاه و دست اندرکاران نظام تعلیم و تربیت فراهم می‌آورد. والدین می‌توانند با الگو بودن در زمینه‌های درک عواطف، خوش بینی، داشتن روابط اجتماعی بالا، موجب ارتقاء هوش هیجانی در فرزندان خود شوند. اساتید نیز می‌توانند با ارائه و آموزش دروس به روش‌های مناسب از قبیل روش‌های مشارکتی، موجب افزایش هرچه بیشتر مهارت‌های اجتماعی آنان و همچنین افزایش توانایی درک عواطف و احساسات دیگران (که از مؤلفه‌های هوش هیجانی هستند) شوند. برنامه ریزان درسی و مسئولان دانشگاهی می‌توانند در دروس عمومی دانشجویان مانند معارف اسلامی، با گنجاندن مطالبی که موجب تعمق فرد در مورد ابعاد متعالی و ماورایی خود، دیگران و جهان می‌شود و همچنین به تفکر و داشتن در زمینه‌هایی از قبیل زندگی، مرگ، زندگی پس از مرگ، واقعیت و عدالت، به پرورش و رشد هوش معنوی در دانشجویان کمک نموده و اقدام جدی در این خصوص انجام دهند. مسئولان حوزه‌های علمیه نیز باید در جهت تقویت هرچه بیشتر مهارت و قابلیت‌های هوش هیجانی طلاب که از ملزومات یک مبلغ دینی توانمند محسوب می‌شود، توجه جدی داشته باشند. همچنین روانشناسان و مشاوران نیز می‌توانند با آموزش فنون موثر در جهت رشد مهارت‌های اجتماعی، هوش هیجانی و هوش معنوی این دو قشر مهم گام بردارند. با توجه به اینکه این پژوهش صرفاً به مقایسه هوش معنوی و هیجانی دانشجویان و طلاب پرداخته است، می‌توان متغیرهای دیگری که در پیشرفت همه جانبه این دو گروه و پیشبرد اهداف حوزه و دانشگاه اسلامی نقش دارند را در بین دانشجویان و طلاب مقایسه نمود. همچنین پیشنهاد می‌شود این پژوهش در شهرهای دیگر و در نمونه‌های گسترده تری انجام گیرد.



منابع

- آقابابایی، ناصر؛ فراهانی، حجت اله و فاضلی مهرآبادی، علیرضا (۱۳۹۰). هوش معنوی و بهزیستی فاعلی. *مجله روان شناسی و دین*، ۴(۳)، ۸۳-۹۶.
- اکبری زاده، فاطمه؛ باقری، فریبرز؛ حاتمی، حمیدرضا و حاجیوندی، عبدالله (۱۳۹۰). ارتباط بین هوش معنوی، سخت رویی و سلامت عمومی در بین پرستاران. *دو ماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، ۱۵(۶)، ۴۶۶-۴۷۲.
- اکبری، محمد؛ رضائیان، حمید و مودی، میترا (۱۳۸۶). بررسی هوش هیجانی در دانشجویان دانشگاه اراک و رابطه آن با اضطراب رایانه. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۹(۳۵-۳۶)، ۱۳۴.
- بیرامی، منصور؛ موحدی، یزدان و موحدی، معصومه (۱۳۹۲). نقش هوش معنوی در پیش بینی استرس ادراک شده، اضطراب و افسردگی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی لرستان. *مجله دانشگاه علوم پزشکی بابل*، ۱۶(۱)، ۱۱-۲۲.
- تقوائی یزدلی زهرا، یزدخواستی علی و رحیمی، حمید (۱۳۹۲). ارتباط وضعیت برنامه درسی پنهان و میزان هوش هیجانی دانشجویان؛ دانشگاه علوم پزشکی کاشان و دانشگاه کاشان. *فصلنامه علمی- ترویجی راهبردهای آموزش*، ۶(۴)، ۲۲۹-۲۳۴.
- جنتی، یداله؛ موسوی، سیده عاطفه؛ عظیمی لولتی، حمیده؛ فانی صابری، لاله؛ همتا، امیر؛ فیضی، سعید و قبادی، مامک (۱۳۹۰). بررسی میزان هوش هیجانی و عزت نفس در دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی مازندران در سال ۱۳۸۹. *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، ۲۱(۱)، ۲۶۱-۲۵۴.
- حاجیان، احمدرضا؛ شیخ الاسلامی، محمود؛ همایی، رضا؛ رحیمی، فیض اله و امین الرعايا، مهین (۱۳۹۱). رابطه هوش معنوی و هوش هیجانی. *مجله تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۰(۶)، ۵۰۸-۵۰۰.
- حسین چاری مسعود و ذاکری حمیدرضا (۱۳۸۹). تأثیر زمینه‌های تحصیلی دانشگاهی، علوم دینی و هنری بر هوش معنوی، کوششی در راستای رواسازی و پایایی سنجی مقیاس هوش معنوی. *فصلنامه اندازه گیری تربیتی*، ۱۱(۱)، ۷۳-۹۳.
- حسینیان، سیمین؛ قاسم زاده، سوگند و نیکنام، ماندانا (۱۳۹۰). پیش بینی کیفیت زندگی معلمان زن براساس متغیرهای هوش هیجانی و هوش معنوی. *فصلنامه مشاوره شغلی و سازمانی*، ۳(۹)، ۴۲-۶۰.
- سلطانی فر، عاطفه و بینا، مهدی (۱۳۸۶). بررسی نشانه های افسردگی در کودکان دبستانی ۹ تا ۱۱ ساله در تهران و رابطه آن با عملکرد خانواده. *فصلنامه اصول بهداشت روانی*، ۹(۳۳-۳۴)، ۱۴-۷.
- سهرابی، فرامرز (۱۳۸۷). مبانی هوش معنوی. *فصلنامه سلامت روان*، ۱(۱)، ۳۰-۲۳.
- سیادت، سیدعلی و مختاری پور، مرضیه (۱۳۸۴). مدیریت و رهبری با هوش هیجانی. *ماهنامه تدبیر* (ماهنامه علمی - آموزشی در زمینه مدیریت)، ۱۶(۱۶۵)، ۸۵-۸۴.

۳۰۹ \diamond مقایسه هوش معنوی و هوش هیجانی دانشجویان و طلاب

- ظهیرالدین علیرضا؛ دیباج‌نیا، پروین و قیدر، زهرا (۱۳۸۹). بررسی میزان هوش هیجانی در دانشجویان سال چهارم رشته‌های مختلف دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی در سال ۱۳۸۷-۱۳۸۸. نشریه پژوهنده، ۱۵(۵)، ۲۰۴-۲۰۷.
- غباری بناب، باقر؛ سلیمی، محمد؛ سلیمانی، لیلا و نوری مقدم، ثنا (۱۳۸۶). هوش معنوی. فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی، ۳(۱۰)، ۱۳۷-۱۳۵.
- مهدی زاده، حسین؛ عزیزی، مریم و جمشیدزاده، فرخ لقا (۱۳۹۰). بررسی وضعیت هوش هیجانی در بین دانشجویان دانشگاه‌های علوم پزشکی غرب کشور. مجله تحقیقات نظام سلامت، ۷(۱)، ۱۰۰-۸۹.
- نوحی، عصمت؛ رحیمی، ندا و نخعی، نوذر (۱۳۹۲). بررسی هوش معنوی دانشجویان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی کرمان در سال ۱۳۹۱. فصلنامه تاریخ پزشکی، ۵(۱۷)، ۷۸-۶۳.
- Castillo R. Salguero, J. M., Fernández-Berrocal, P. & Balluerka, N. (2013). **Effects of an emotional intelligence intervention on aggression and empathy among adolescents.** *Journal of Adolescence*, 5(36), 883-892.
- Clarke N. (2010). **The impact of a training programme designed to target the emotional intelligence abilities of project managers.** *International Journal of Project Management*, 28(5), 8-46.
- Ciarrochi, J., Dean, F., & Anderson, S. (2002). **Emotional intelligence moderates the relationship between stress and mental health.** *Personality and Individual Differences*, 32, 197-209
- D.B.King & T. L. DeCicco. (2009). **A viable model and self-report measure of spiritual intelligence.** *The International Journal of Transpersonal Studies*, 28, 70-71.
- Emmons, R. A. (2000). **Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition and the psychology of ultimate concern.** *The international Journal for the psychology of Religion*. 10(1), 3-26.
- Elkins, M. & R. Cavendish. (2004). **Developing a plan for pediatric spiritual care.** *Holistic Nursing practice* 18 (4), 179-186.
- Goleman, D. (1999). **Beyond Expertise: Working with Emotional Intelligence.** London: *Bloomsbury Publishing*.
- Kiesling, C., Montgomery, M. J., Sorell, G. T., & Colwell, R. K. (2006). **Identity and spirituality: A psychosocial exploration of the sense of spiritual self.** *Developmental Psychology*, 42, 1269-1277.
- King DB. (2008). **Rethinking claims of spiritual intelligence: a definition, model, and measure.** Ontario: *Trent University*.
- King, M., Speck, P., & Thomas, A. (2001). **The royal free interview for spiritual and religious beliefs: Development and validation of a self-report version.** *Psychological Medicine*, 31, 10-15.
- Liff, S. (2003). **Social and emotional intelligence.** Applications for developmental. *Journal of Developmental Education*, 26, 28-35

- Mcsherry, W. P. Draper, & D. Kendrick .(2002). **The construct validity of a rating scale designed to assess spiritual care**, *International Journal of Nursing Studies*. 39(7), 723-734.
- Nasel, D. D. (2004). **Spiritual Orientation in Relation to Spiritual Intelligence: A consideration of traditional Christianity and New Age/individualistic spirituality**; Unpublished thesis. Australia: *The university of south Australia*.
- Noswald, K. D. (2004). **Nurses perceptions of spirituality and spiritual care and emotional Intelligence**. *Unpublished Doctoral Dissertation*, Drake University, Des Moines, IA, US.
- Obradovica, V., Jovanovica, P., Petrovica, M. & Mitrovica Z. (2013). **Project Managers' Emotional Intelligence - A Ticket to Success**. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, World Congress, Crete, Greece. (74) 274 – 284.
- Parker, J. D. (2004). **Academic achievement in high school: Does emotional intelligence matter?** *Personality and Individual Differences*, 37, 1321–1330.
- Petrides, K. V., N, Frederickson. & A, Furnham. (2003). **The Role of Trait Emotional Intelligence in Academic Performance and Deviant Behavior at school**. *Journal Personality and Individual Differences*, (17).37-57.
- Ross,L, A. (1994).**Spiritual aspects of nursing**. *Journal of Aadvanced Nursing*, 19, 439- 447.
- Sanchez-Ruiz M. J., Mavroveli, S. & Poullis, J. (2013). **Trait emotional intelligence and its links to university performance**. *An examination Personality and Individual Differences*, 5(54), 662-658
- Shaalon J. (2007). **The mediating role of God attachment between religiosity and spirituality and psychological adjustment in young adults**. American, Columbus: School of Ohio, the State University, 3-41, AAT 3268886.
- Smith S. (2004). **Exploring the interaction of emotional Intelligence and spirituality**. *Traumatology*, 10(4), 231-43.
- Thompson I. (2002). **Mental health and spiritual care**. *Nursing Standard 2012*, 17(9), 8-38.
- Van Leeuwen, R. & B. Cusveller. (2004). **nurses competencies for spiritual care**, *Journal of Advanced Nursing*, 48(3), 234-246.



فرهنگ در دانشگاه اسلامی

فرم اشتراک فصلنامه

نام و نام خانوادگی: میزان تحصیلات: شغل:

تاریخ آغاز اشتراک: شماره‌های درخواستی از: تا نشانی:

کد پستی:

صندوق پستی: تلفن: دورنگار: شماره اشتراک:

*Journal of
The Knowledge Studies in The Islamic University
[Motaleate Marefati Dar Daneshgah-E-Eslami]*

First Name: *Sur Name:* *Education:*

Profession:

Address:

Postal Code: *P.O.Box.:* *Tel:*

Fax: *Email:*

علاقه‌مندان به دریافت فصلنامه می‌توانند ضمن پرداخت حق اشتراک یکساله (برای چهار شماره) به همراه هزینه پست عادی ۱۵۰/۰۰۰ ریال به شماره حساب سیبا ۲۱۷۲۳۴۸۰۱۷۰۰۲ نزد بانک ملی تهران شعبه دانشگاه کد ۸۷ به نام معاونت پژوهشی نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، اصل فیش بانکی را به همراه فرم اشتراک به آدرس نشریه ارسال کنند. تلفکس: ۰۲۱-۶۶۴۹۸۷۸۴

✂.....